

حرکت اسلامی



بزرگترین خدمت حركت اسلامی و انقلاب اسلامی اين بود که مردم را از شر آن رژيم خلاص کرد. همه‌ي آنچه بعداً پيش آمده است تا امروز، اين عزّت ملی، اين آگاهی و بصیرت عمومی، اين پیشرفت علمی، اين جایگاه بر جسته ايران در جهان و در منطقه، اينها همه و همه به خاطر اين است که آن مانع بزرگ از پيش پاي ملت برداشته شد؛ و اين را مردم انجام دادند؛ اين را دين انجام داد؛ اين را اعتقادات انجام داد. امروز جبهه‌ي استکبار در تلاش و تعمارضه‌ي با اين نظام است؛ هيج‌کس تصوّر نکند که دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد؛ نه، آن وقتی که شما قوی باشید، آن وقتی که شما آماده باشید، آن وقتی که شما دشمن را و ترفندهای دشمن را بشناسيد، دشمن به ناقار از دشمنی دست خواهد کشید؛ آن وقتی که شما **دچار غفلت** باشید، به دشمن اعتماد کنید، آنوقت دشمن فرست پيدا خواهد کرد که مقاصد خود و هدفهای خود را در کشور به وجود بياورد. فشاري که امروز از ناحيه‌ي استکبار بر ملت ايران وارد می‌شود، ناشی از همان دشمنی عظیم و تمام‌نشدنی است؛ دشمنی تمام‌نشدنی است. ملت ايران نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرده است، راه خود را به سمت آرمانها دارد پيش می‌برد؛ على رغم حررهای نسنجد و غلطی که در مورد بی‌ توفیقی ملت ايران در اين راه گاهی بر زبانها جاري می‌شود، ملت ايران **توفیقات بسيار بزرگی** تا امروز به دست آورده است. ملت ايران راه را خوب طی کرده است.

مقام معظم رهبری (۱۷ دی ۹۳)

۴

پايه که جا ماند ...



در خط مقدم دیده بودم عراقی‌ها پلاک بچه‌ها را از گردن‌شان در می‌آوردن، مسخره می‌کردند و به ما می‌گفتند: اين کلید بهشت‌که خمبنی بهتون داده. يكی از دشيان‌ها گفت: کربلا سبعين کم. (کربلا هفتاد کيلومتر). نام کربلا که برده شد، بعض کنه‌های اسرا ترکید. گویی دجله از چشم‌ها جوشید. صدای گریه‌ی اسرا بلند شد.

بلند بلند زدم زير گريه. از آن همه آزار، تشنجی، بی مهری، نیش‌زبان و تحقیر به ستوه آمده بودم. دلم پر بود. ... گريه از آن همه تحقیر، توهین، مظلومیت شهدای خندق، جنازه‌هایی که در آن جاده ماندند، توهین به شهداء، از دست دادن جزیره مجنون، شهداًی که به جنازه‌هاشان تیر خلاص زدند، شهیدی که پرچم عراق روی شکمش نصب شد، بچه‌هایی که پشت شان خالی شده بود، عمامه‌ی شهیدی که عراقی‌ها جلوی چشمانم با آن رقصانی کردن، ماشین‌هایی که جنازه‌ی شهدا را زير گرفتند ...

امشب به بهانه‌ی آقا امام حسین (ع) يك دل سير برای دل خودم و آن چه بر من گذشته بود، گريه کردم. قدری سبک شدم، شک ندارم امام حسین (ع) هم دلش برای فرزندان شهیدش در جزیره‌ی مجنون می‌سوخت. اگر در شرایط عادي گريه می‌کردم، خجالت می‌کشیدم؛ چون مطمئن بودم اسرای ايراني و نظاميان عراقي می‌گفتند: اين رو ببين، کم آورده. سيدناصر حسيني بور

۵

ماهnamه

چشم‌های حیات

اسفند ۹۳ (سال اول، شماره هشتم)

CHESHME.HAYAT@GMAIL.COM

واحد فرهنگی کانون چشم‌های حیات (مسجد امام حسن عسکری(ع))

ام ابيها



هر دختری که ام امامت نمی‌شود
يا مادر پیغمبر رحمت نمی‌شود
در مجتمع خلائق فاطمه یکی است
این وحدت است شامل کثرت نمی‌شود
آنجا که پای کفو علی هست در میان
هر دختری که لایق وصلت نمی‌شود
این وحدت است شامل کثرت نمی‌شود
از اين که آب مهرهيات بود روشن است
هر خانه‌ای که خانه رحمت نمی‌شود
فردا بیا که باز قیامت به پا کنی
ای بانوی که بی تو قیامت نمی‌شود
با اشتیاق سمت صراط آورید رو
زهرا بدون برگ شفاعت نمی‌شود
این سینه باز حال و هوای مدینه خواست
يا رب دعای کیست اجابت نمی‌شود

۱